





# گفت و گوی اختصاصی آوای پراو

## پامدیر باشگاه فرهنگی ورزشی ستارگان کلهر

اموزش هستیم یا تعداد ۱۵۰ قوتباليست که خدارا شکر اکثر لتها هم آگتون در تیم های منتخب باشگاه نوب میزند.

باشگاه از وجود هفت مریز دارای مدرک و با تجزیه شهره می برد که به صورت پاره وقت به نونهالان و وجود آین لستان خدمت می کنند.

محمد مهدی قربانی - آسیا  
دکتر قیام منصوری - آسیا  
مجتبی شیعی - آسیا

یحیی مبدی - آسیا  
سعید فهوری - آسیا

در درس اخلاقی می‌دهند و با سیریتات اصولی و بونی توتوبالی باعث پیشرفت چشم گیر بازیگران شده‌اند. همچنین از مدیریت محترم مجتمع ورزشی وحدت حیات آذوقاً بسته خواهیم نهاد. قرار گاهی برای

جانب احایان پهلوو خدا ترمیم و باز رسانی نهاده  
اختیار قرار دادن مجتمع ورزشی ما را کمک کرده اند  
و با حفظ و نگهداری درست از اماکن ورزشی، چنین  
نقاط را استفاده بازسازی می‌نمودند.

چه مشکلاتی بر سر راه دارد؟ برای بهبود قصای ورزش چه درخواستی از مسئولین ورزشی استان خارجی بروی مسند بزرگان نمی شود.

قسم تشکر از اداره ورزش و جوانان استان و شهرستان، همچنین هیئت قوتابی استان و شهرستان که با پالسگاه سرتاسر گان کلیر، همکاری های لازم

را باشند و همیشه حامی و پشتیبان ما بوده اند.  
از مسویین تزیز و دوستداران ورزش تقاضا مهتمد که با  
نمک و همکاری بیشتر خود خودتال کرمانشاه را به

روزهای اوج خود بر گردانند.  
باشگاه‌های فوتبال مشکلات زیادی هم دارند از جمله  
کمبود زمین تمرین، کمبود وسایل کمک آموزشی و

تعزیز نظرات مطلوب بر مدارس فوتبال و -  
که این دورام مستویان و دلسویان ورزش در  
جهت رفع مشکلات گامهای اساسی بردازند تا

فوتیال کرمانشاه به امید خدا به جایگاه اصلی  
خود برگزد.

© 2013 Pearson Education, Inc.

اجرای احکام شعبه یک دادگاه عمومی حقوقی  
شهرستان گرمانشاه

شماره آگهی: ۳۳۹۲۷ - ۰۵-۴۶۰۰۰۰

١٤٠٠/٠٤/٠٥ تاریخ تنظیم:

شماره پرنده: ۹۹۰۹۹۸۸۳۳۰۳۰۰۳۰۷

شماره پرونده: ۱۰۱

## متن آگهی آگهی مزایده اموال منقول

#### **دادورز شعبه ۱ اجرای احکام مدنی کرمانشاه**

## کاہش ۱۸ درصدی ذخیرہ آب در پشت سد های کرمانشاه



مذوبیت مصروف آب را جدی بگیرند  
در استان گرگانشاه ۱۲ سد مخزنی با ظرفیت  
۱۰۰۰۰۰۰ مترمکعب در سال کار خواهد شد

جلسه مشترک مدیر کل نوسازی مدارس استان  
با مدیر عامل شرکت گاز استان در خصوص بیکاری استاندارد از



کسری رواج پایه عمومی از آن نوسازی  
مادری استانی که مکانیسم ایجاد  
وزیری و وزارتی خود را نیز نوسازی مادری استان  
نمی‌شوند. همچنان شفاهی در این مورد ملک شاه  
پسندیده از این نویسندگان معرفه کرد: «در اداره  
لوله حکم این سیاست را شکسته در چشم پیشی  
آنست از این سیاست که کارخانیان ایرانی  
آن کوشش نداشند در شرکت شافت گفت: این استان  
که بزرگترین نیاز دارد که این کارخانیان  
که بزرگترین نیاز دارد که این کارخانیان  
که بزرگترین نیاز دارد که این کارخانیان


**آیدا مجید آیادی**

اکشناتن لریزید  
وقایت خدا  
سرنوشت مرد  
به تو سپرده بود  
کلنان مل مساحی سرد  
سینه ام را میشکافند  
و پریان منجد  
روی بستنم این اتفند  
خدا یعنی حق ششته  
یکی با تمام همه هایش از خودش می بازد  
و بگوی طالب ترقیته  
جام سعادت را بالا می برد  
پرگاره بپرگار  
به تبدیل محیطی امن  
دور خودم گشتم  
وساتر جام  
نه من رستگار شدم  
و نه او خوشنود


**آراییر فرید**

پکله  
عروس مستی به شانمانه مردم  
پایکوبی چوب اندوه است  
به قارچ آشی خوی لک خورده ام  
گز کاه دخیل های تابوت  
سندس های سوکدم از  
بانده ای آشیانه دار دوشین بز  
از آینه های یقینی اب ها  
هرمه بلوط های نتم  
به تلشکی بران بزرگ تبدیل  
بر اینه بپرگار

پنداه سریندانه ام  
مفت سبز برم تا دشکان رضایت  
دل اکتشاف هایم  
چواز خرم های نریمال  
آن کلناند و دستان خام خوی  
پادی از طبق خالکان  
نایتوی سیلیون سریلیس ها  
حکم اینه های فر از رعر خدا  
آسینست اس کاه دستان  
تا در درس چالوس کلندیکی بر  
تو به تو خوبیان کردی هوان را  
آتش سبز های تقویت زده  
سلیمان نک پادشان  
که در لکن روزی از دنیمه ام  
زنده ام زنده رو زنده قواب  
شیشه های ساخت کوای  
از شلشور زخم فرسخ و روز  
که همه هایم /  
روید و سترخ زندی  
بودیسمی است بی کل سرع


**حمدی رزبان**

پادگفت  
برگ از شاعر متفرغ است  
با چشمی و ششم  
پیرامون سیاه  
به ستاره کفر می کنم  
به اینکه کرامی اند  
به این که  
چه قریار  
پرواز  
کوپوت  
کلاع  
مثل تو  
می خواهم بیمانم  
در صدا  
در واژه  
و اکر مرگ بینشید  
آنقدر محترم باشد  
که پایش از مران تند


**نسرین فرزانی**

خانه های دیسترنشن  
من خواهم همه یاد اضافی  
و خانه های خالی نمی داشتند

تیریمه چشم بود  
فضل داغ دهان من این تو را کاخته می کرد  
او آزار خافت  
بر ویرایه های زیان می ساخت  
پیش تر بود  
خاکستر از زیانهای من بار می گرفت  
بر پر پار و پر شکوفه ای تاریخ می نشست  
گلکون گونه های تو اخته

زیاه های اخنه  
میوه های صورت این روایاستا  
(در ناکاهان خیال پرکار می وزد)

و تو اینه می خویست  
بر پر پار و پر شکوفه ای تاریخ می نشست

قوسی به اخنای دو پستان رمل بر اندام داغ

دیبلن  
دو لکه چوشان  
دهاهیه کوش آشیانه من است

نوشانشی شده و کلام  
در حکومت موافق شد

در حصور موافق که بر پرکار مانده  
مرا بشناسان

بنشان به آن شکان در زبان او  
کنچشنه جنگی قصیل بهشت

مر شاخه های تر  
با شکوه های نازک و نارنجی  
میلی به قاعده همچون برگ

بری زیان بردنه  
میلی به اختلاف همان سبز

رکن باخته

سربار راهه هر چه کجا می فرست

فرواره سبز مسافر

ده نرد زنا


**محمد آشغر**

تمثال هر سال خشکیده  
بات این مخفیانه  
مشی از درخت  
میلی از پرده بودی  
از ریشه درخت سه حرف آخر رخت از تن تو  
برد و دهد که مویخ

و بعد

از تر پرده نیر بر تنای تو جوانه هی سبز بزیری  
زیاره گذشتن بود

من تقدیم بودم سوزان

و چه کوپر  
هیچ تا اقبال چیکو سوز از ناشست

میلی از تو چوکا چوک اکر بر میل دیگری از تو  
در خاره موید و شن دین

عقویت من (با)  
میلی از تو چوکا چوک اکر بر میل دیگری از تو  
می نشست

آواز می شن اور دیر پیش  
میل از ام اما ساندویچ حرف که می شد فرم

تیریمه چشم بود  
فضل داغ دهان من این تو را کاخته می کرد

او آزار خافت  
بر ویرایه های زیان می ساخت  
بر پر پار و پر شکوفه ای تاریخ می نشست

گلکون گونه های تو اخته

زیاه های اخنه  
میوه های صورت این روایاستا

(در ناکاهان خیال پرکار می وزد)

و تو اینه می خویست  
بر پر پار و پر شکوفه ای تاریخ می نشست

قوسی به اخنای دو پستان رمل بر اندام داغ

دیبلن  
دو لکه چوشان  
دهاهیه کوش آشیانه من است

نوشانشی شده و کلام  
در حکومت موافق شد

رکن باخته

سربار راهه هر چه کجا می فرست

فرواره سبز مسافر

ده نرد زنا


**مظاہر شهاب**

پاید قطار  
له دنقا همان قطار  
له خود ها م برد بود  
زیال سکرا  
سربازان خسته و که را  
له که را زده  
از بیرون چریدیان بانوی زیبا یا یک گوک  
با پیرمرد فریوت می نویس

اکتوپ مایکروفون را  
(آ) مایا کوپسکی شاعر  
شاعر ملی سال می مفهوم  
سال های زنده داشت های است و سبع و  
بیکران

سال های سر افکنی قدمت پنهانی تالیید  
تار آن اتفاق دور گویند

«محبوب من می بینش که بیش از مردن کلشته  
می شو»  
پکیده و ماهه تیانجه را بجاذب  
(امایا کوپسکی شاعر  
مایا کوپسکی شاعر بزرگ اینه بالاخره  
خوشبخت)

اکتوپ صدی زو ز قطار شنیده نشی شود  
او

زی اتفاقه از ساخته ای بند بر وسط بزرگراه  
مجده

خوبین  
پادرن موہابش می وزد  
و ماند فرد رفیق فرد می خشم  
او در مهشهی انداره رفاغ  
اندازه هر نوعی از انتقام  
دبار اشتباه سیکون شد

انتباه هنکله شدین در قل از مردن  
\*\*\*


**نرگس الکبیر**

بر تیقه ای داد  
فریادی اکر باند  
در عالمی کاه توست  
که فیروز  
بری رله باشد  
منهان  
مانشی اماده کار نیست  
او در ایستگاه افسانی آتش  
در هفته های هزار و یک شب  
مردیه خاموش  
درگ و زندگی را  
بر تیقه های داد  
به حرکت آور آورد.  
\*\*  
سکوت دل  
رویاهای سنگ شده امام را  
در آغازش می گیرم  
سکونت را نخوردیده می کنم

می گوییم تابه هستی  
این هست  
پاسخی در خور داده باشم  
در این ارتقای  
عطای به مشاهد رسید و  
چارو در سکونی دل  
برون خالی ام را پر کرده است.

\*\*\*\*\*

بوی اعتماده نمایی گزین  
سایه های اماده ندیش دار ناریقین  
بوی اعتماده نمایی گزین  
که هندسه غریب فرسخ و روز  
چه هندسه غریب دارد زخم  
وقتی بازی باری امری را  
پیشنهادی داده باشد  
که هندسه غریب دارد بوخه

تیش تنهایی پندج که کریم  
می شود نفس مرده که  
مهایی های باری را  
کبریت می کنده به شانه چن زده

غیره مردمه خوبی سرخ دیگه  
هوای بیل افغانی باره مرد  
آن دن دن دن رهایی می باردم  
کلک رو ایل کلک اوتست مردیکه

که بیرون زیور ایل کوئی می شود  
خواهی دند و تند به ازیزی  
که تفت بر جمهوری ها  
کوکش اینه های مرد  
آبد است آبد

\*\*\*\*\*

دشنه بی یک تنهایی احتما فسنان  
این همه عوض های بر داد اتفاق ایل اتفان  
چه مانده ام از باز و بازی  
بسته اتفاق بدینه خانه

هره های مرد و ایه تو می هدم  
سربار که به آخیر برسز فریزن است  
سربار راهه هر چه کجا می فرست  
فر و زینه هم که مل تو بود

مرا کاهیه ای خالی خالی  
ندیل باد استنکه های که می وزد ما را  
\*\*\*\*\*

شیرین هدیقه  
این سوزانی ساله است  
پرچش را  
به اشکاه می سنتظران  
دوخته است  
من  
من

کاساله است  
فقار امتدار را  
خن کرده ام  
و برینه باشی ته ها

او بخته ام  
زم روم  
جلیل که لیلیم رول شده است.  
وقتی تو  
موس ادار داشته باشی

\*\*\*\*\*







